

# نقش سرمایه اجتماعی در کاهش آثار تهدیدهای نرم (با نگاهی به فرماندهی و مدیریت آینده پلیس)

عبدالله هندایانی<sup>۱</sup>، عبدالرحمن میرزاخانی<sup>۲</sup>، حامد مرادی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۴/۱۵

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۳/۰۴/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۶/۲۹

## چکیده

زمینه و هدف: تهدید نرم، به تحولاتی گفته می‌شود که موجب دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی می‌گردد. قدرت‌های بزرگ در طول تاریخ همواره از این روش برای تغییر اراده ملت‌ها و به ویژه برای کنترل و توقف روند انقلاب‌های ضد استعماری استفاده کرده‌اند. سرمایه اجتماعی از جمله مفاهیمی است که می‌تواند به عنوان عاملی مهم در خنثی‌سازی یا کاهش اثر تهدیدات نرم عمل کرده و با توجه به اشتراک مؤلفه‌ها با رویکردهای حال و آینده پلیس، مدیریت پلیس را در پیاده‌سازی این رویکردها کمک نماید.

روش: روش تحقیق حاضر از نظر داده‌ها، کمی و از نظر اهداف، کاربردی و از نظر ماهیت مطالعه، همبستگی است. این تحقیق در نیمه اول سال ۱۳۹۲ انجام پذیرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کارکنان دارای مدرک کارشناسی به بالای پلیس‌های اجرایی ستاد ناجا تشکیل می‌دهند. روش نمونه‌گیری ابتدا به صورت طبقه‌ای و سپس به شکل تصادفی ساده و حجم نمونه را تعداد ۱۱۵ نفر از طریق فرمول کوکران تشکیل می‌دهند. ابزار سنجش پژوهش حاضر پرسشنامه ۲۷ سؤالی محقق ساخته است.

یافته‌ها: یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها با تأیید فرضیه‌های تحقیق نشان داد که سرمایه اجتماعی می‌تواند اثر تهدیدات نرم را کاهش داده و با عنایت به اشتراک یا همسویی مؤلفه‌ها با رویکرد اجتماعی پلیس، زمینه پیاده‌سازی آنها را برای مدیریت آینده پلیس فراهم کند.

نتیجه‌گیری: برای کاهش اثر تهدیدات نرم بر سرمایه اجتماعی باید نسبت به تقویت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی همچون هنجارهای اعتمادساز، مشارکت جو، هویت بخش، ارزش مدار و مبتنی بر روابط اقدام شود تا ضمن برخوردار شدن جامعه از آثار مثبت سرمایه اجتماعی، پیاده‌سازی رویکردهای جدید پلیس از پشتوانه‌ای قوی‌تر برخوردار گردد.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، اعتماد، مشارکت مردم، ارزش‌های اخلاقی، مدیریت انتظامی، پلیس.

استناد: هندایانی، عبدالله؛ میرزاخانی، عبدالرحمن؛ مرادی، حامد (ویژه‌نامه، ۱۳۹۳). نقش سرمایه اجتماعی در کاهش آثار تهدیدهای نرم (با نگاهی به

فرماندهی و مدیریت آینده پلیس). فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، ۲۹-۵۰.

۱. استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول) Email: cls188rahman@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد ریاضی و آمار

## مقدمه

دوره جامعه‌محوری در پلیس از دهه ۱۹۸۰ و پس از پاسخ‌گو نبودن رویکردهای قبلی شکل گرفت. در ایران نیز موضوع پلیس جامعه محور حدود یک دهه بعد از آن مطرح و نسبت به تغییر برخی ساختارها و آموزش‌های درون سازمانی اقدام شد. پیچیده‌تر شدن جرائم در جامعه و پاسخ‌گو نبودن رویکردهای قبلی، لزوم ادامه این مسیر را بیش از پیش آشکار ساخته است. به نظر می‌رسد مدیریت پلیس در حال و آینده با این رویکرد که به علل جرم و سهیم کردن اجتماع در حل جرم توجه دارد، به موفقیت‌های بیشتری دست پیدا خواهد کرد. از آنجا که الگوی پلیس جامعه محور، مأموریت گسترده و انعطاف‌پذیری بیشتری را برای پلیس به رسمیت می‌شناسد، لذا صلاحیت گسترده‌تری برای پلیس قائل شده و می‌پذیرد که ماهیت کار پلیس از نیازهای شهروندان نشئت بگیرد (محمد نسل، ۱۳۹۱: ۴۹-۵۰). پیاده‌سازی این رویکرد با افزایش اعتماد و مشارکت مردم امکان‌پذیر است. از طرفی هدف از تهدیدات نرم دشمنان که از سال‌ها پیش به صورت مداوم با آن مواجه‌ایم، کاهش اعتماد و مشارکت و تضعیف ارزش‌های اخلاقی در جامعه است لذا طرح و تقویت مفاهیمی همچون سرمایه اجتماعی که بتواند اثر تهدیدات نرم را خنثی نماید، علاوه بر تأثیر مثبت در ابعاد و سطوح مختلف جامعه، می‌تواند بستر مناسب را برای پیاده‌سازی رویکرد جدید پلیس برای مدیریت حال و آینده پلیس فراهم کند.

نقطه مشترک همه تهدیدات، تحمیل اراده به نیروی مقابل است. تفاوت تهدیدات، در به کارگیری روش‌ها، ابزارها و... است. تهدید می‌تواند با تأکید بر توان فیزیکی (لشکرکشی، اشغال خاکریز و سرزمین، نابودی و کشتن انسان‌ها و ویران نمودن مراکز اقتصادی) اجرا شود یا می‌تواند با تکیه بر روش‌های سیاسی، روانی و شیوه‌های غیرخشونت‌آمیز و با به کارگیری قدرت نرم برای تأثیرگذاری بر اراده حریف و نیروی مقابل انجام گیرد. بی‌تردید اگر فکر، اراده و قدرت روحی حریف تسخیر شود، کاربرد قدرت سخت و لشکرکشی ضرورتی نخواهد داشت. از همین رو، قدرت‌های بزرگ با کاربرد عملیات روانی، مقاومت ملت‌ها و نظام‌های سیاسی را پیش از عملیات نظامی فرو می‌ریزند یا برای سرعت بخشیدن در اهداف عملیات نظامی، اقتصادی و سیاسی از سلاح عملیات روانی به منظور سلب اراده و انگیزه نبرد در نخبگان یک کشور، مردم و نیروهای

مسلح بهره می‌گیرند. این اقدامات در زمره اقدامات و تهدیدات نرم محسوب می‌گردد. تهدید نرم عبارت است از هر گونه اقدام غیر خشونت آمیز که ارزش‌ها و هنجارها را مورد هجوم قرار داده و در حد نهایی منجر به تغییر در الگوهای رفتاری و خلق الگوهای جدیدی شود که با الگوهای رفتاری نظام حاکم تعارض داشته باشد (حسن‌بیگی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۰۱). بنابراین تهدید نرم، امروزه مؤثرترین، کارآمدترین و کم‌هزینه‌ترین و در عین حال خطرناک‌ترین و پیچیده‌ترین نوع تهدید علیه امنیت ملی یک کشور است. تهدید نرم می‌تواند با کمترین هزینه با حذف لشکرکشی و از بین بردن مقاومت‌های فیزیکی به هدف برسد زیرا با عواطف، احساسات، فکر و اندیشه و باور و ارزش‌ها و آرمان‌های یک ملت و نظام سیاسی ارتباط دارد. ابعاد این جنگ و تهدید گسترده‌تر و مخرب‌تر است؛ زیرا دین، فکر و آرمان ملت‌ها را آماج تهاجم خود قرار می‌دهد.

در مورد سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup> به عنوان متغیر اصلی این تحقیق باید گفت که این سرمایه، بیانگر کم و کیف روابط اجتماعی و نحوه تعاملات کنشگران اجتماعی است. وزن و تنوع روابط و تعاملات اجتماعی در مقیاس خرد، میانی و کلان، تعیین کننده میزان سرمایه اجتماعی است. افزایش و نابودی سرمایه اجتماعی، حاصل پیامد و نتیجه فرعی فعالیت‌های مختلفی است که در مقیاس‌های فردی، سازمانی و نهادی محقق می‌شوند. سرمایه اجتماعی بنا به ماهیت چند ساحتی، دلالت‌های نظری و تجربی آن و نیز ذهنی و عینی دانستن آن، از تعاریف مختلفی برخوردار شده است؛ در مواردی این مفهوم را معادل با واژگانی چون انرژی اجتماعی، روحیه جماعتی، پیوستگی‌های اجتماعی، فضیلت مدنی، شبکه‌های محلی، لطافت اجتماعی، دوستی‌های گسترده، زندگی جماعتی، منابع اجتماعی، شبکه‌های رسمی و غیررسمی، همسایگی خوب و چسب اجتماعی دانسته‌اند. در خصوص قیاس سرمایه اجتماعی با دیگر انواع سرمایه، عنوان شده است که سرمایه اقتصادی عبارت است از موجودی حساب‌های بانکی مردم؛ سرمایه انسانی مردم نیز در سرهانشان قرار دارد؛ اما سرمایه اجتماعی در درون ساختار روابط و مناسبات آنها قرار دارد (پورتس، ۱۹۹۸: ۷). در این تحقیق در پی آن هستیم که نقش سرمایه اجتماعی را در کاهش تهدیدات نرم

1. Social capital

2. portes

بررسی کرده و با توجه به نتیجه تحقیق، آینده فرماندهی و مدیریت پلیس را به تصویر بکشیم. لذا در این تحقیق این سؤال مطرح است که آیا بین سرمایه اجتماعی و کاهش اثر تهدیدات نرم رابطه وجود دارد؟

هدف اصلی تحقیق حاضر شناسایی رابطه بین سرمایه اجتماعی با کاهش اثر تهدیدات نرم است. در راستای این هدف، اهداف زیر دنبال می‌شود: ۱- شناسایی رابطه بین اعتماد مردم به مسئولان با کاهش اثر تهدیدات نرم. ۲- شناسایی رابطه بین میزان مشارکت مردم با کاهش اثر تهدیدات نرم. ۳- شناسایی رابطه بین ارزش‌های اخلاقی در جامعه با کاهش اثر تهدیدات نرم.

### پیشینه تحقیق

#### سرمایه اجتماعی

امروزه سرمایه اجتماعی، نقشی بسیار مهم‌تری از سرمایه فیزیکی و انسانی در جوامع به خصوص در زمینه امور حکومتی، تقویت مشروعیت سیاسی و افزایش قدرت نرم ایفا می‌کند. در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی ناهموار و دشوار می‌شوند. البته مفهوم سرمایه اجتماعی دیر زمانی نیست که به عرصه علوم اجتماعی وارد شده است اما با سرعتی چشم‌گیر گسترش یافته است. رد پای این مفهوم را می‌توان در آثار بسیاری از جامعه‌شناسان کلاسیک در مفاهیمی از قبیل اعتماد، همبستگی و انسجام اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها مشاهده کرد (فیروز آبادی، ۱۳۸۴: ۱۳). جیمز کلمن<sup>۱</sup> (۱۳۸۴) در تبیین سرمایه اجتماعی می‌نویسد: سرمایه اجتماعی مجموعه‌های مختلفی از کنش‌ها، پیامدها و روابط را شامل می‌شود. از نظر او سرمایه اجتماعی ذاتاً قادر به کار است و سرمایه اجتماعی هر آن چیزی است که به مردم و نهادها امکان عمل می‌دهد (شجاعی زند، ۱۳۸۵: ۲۳).

فوکو یاما<sup>۲</sup> تعریفی ساده از سرمایه اجتماعی ارائه می‌دهد و می‌نویسد: سرمایه اجتماعی را

1. James Samuel Coleman

2. Yoshihiro Francis Fukuyama

می‌توان به سادگی به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهم هستند. مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌شود، زیرا این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشد. رابرت پوتنام<sup>۱</sup> تعریف دیگری از سرمایه اجتماعی ارائه می‌دهد. او بر نحوه تأثیر سرمایه اجتماعی بر رژیم‌های سیاسی و نهادهای مردمسالار (دمکراتیک) تأکید کرده است. از نظر او سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از مفاهیم مثل اعتماد، هنجار و شبکه‌های ارتباطی میان افراد یک اجتماع است. در نهایت می‌توان گفت سرمایه اجتماعی از مجموعه هنجارها و ارزش‌های موجود در نظام‌های فکری، علمی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه منتج می‌شود و این هنجارها و ارزش‌ها حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی و اقتصادی ماست که دارای ویژگی اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی و غیره است (الوانی و سید نقوی، ۱۳۸۱: ۸۹).

## اعتماد

اعتماد از جمله عناصر مهم سرمایه اجتماعی به حساب می‌آید. اعتماد مردم به یکدیگر، مردم به حکومت و نهادهای اصلی جامعه، اعتماد نهادهای اجتماعی یاد شده به یکدیگر و اعتماد حکومت و این نهادها به مردم، وجوه مختلف اعتماد اجتماعی را شکل می‌دهد. از سوی دیگر درستکاری، صداقت، وفای به عهد، انصاف و عدالت، ارزش‌های اعتماد آفرین هستند (ذکایی، ۱۳۸۱: ۱۷). از نظر پاتنام اعتماد اجتماعی برگرفته از دو منبع هنجاری معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی است. اعتماد، همکاری را تسهیل می‌کند و هر چه سطح اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود. همکاری نیز اعتماد را ایجاد می‌کند. به این ترتیب هر چه سرمایه اجتماعی بیشتر استفاده شود به جای استهلاک و کاهش، بر خلاف سرمایه فیزیکی، بیشتر افزایش خواهد یافت. از نظر پاتنام هر چه تعامل میان افراد بیشتر باشد، آنها اطلاعات بیشتری در باره یکدیگر به دست می‌آورند و انگیزه‌های بیشتری برای اعتماد پیدا می‌کنند (پاتنام، ۱۳۸۴: ۱۰۰).

در سازمان‌هایی نظیر سازمان ناجا که تمرکز آن بیشتر بر جلب رضایت افراد جامعه، مشارکت اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی نسبت به عملکرد پلیس است، بحث اعتماد سازی مهم‌ترین موضوع برای مشارکت در تصمیم‌سازی است و توجه به ابعاد، شاخص‌ها و مؤلفه‌های ایجاد کننده و افزایش‌دهنده آن می‌تواند سازمان را در محیط متلاطم و چالشی امروز در مسیر تحقق اهداف و رسالت آن یاری کرده و میزان کارایی و اثربخشی پلیس را افزایش دهد.

### ارزش‌های اخلاقی

وجود و شیوع ارزش‌های اخلاقی مثبت، چون صداقت، امانت داری، حسن ظن، سعه صدر، وفای به عهد و... در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی که تعیین کننده چهارچوبی برای یک جامعه اخلاقی هستند، نمایانگر جامعه‌ای گرم و پویاست. نکته مهم تر اینکه پنداشت‌ها نسبت به وجود ارزش‌ها و کدهای اخلاقی و گستره شیوع آنها در مقیاس ذهنی نیز در تعیین و جهت‌گیری رفتار و کنش‌های افراد آحاد جامعه، سهم مؤثری دارند و برعکس، فقدان این ارزش‌ها در مقام عمل و نظر که در قامت و صورت ارزش‌های منفی، چون دروغ، تقلب، حیله و تزویر، بدبینی، کلاهبرداری و... خود را نشان می‌دهند، اثری فرساینده بر سرمایه اجتماعی دارند. نکته قابل اعتنا این است که ابعاد مطرح شده با یکدیگر تلاقی و تعامل دارند و مقوم یکدیگرند که در مجموع، سازنده سازه سرمایه اجتماعی هستند (غفاری، ۱۳۹۰: ۵۷).

### مشارکت مردم

مشارکت، عنصر مهم دیگر سرمایه اجتماعی است. مشارکت موجب افزایش مشروعیت سیاسی و به تبع آن افزایش قدرت نرم می‌گردد. امیر احمدی (۱۳۷۴) آزادی فعالیت مدنی، بسته نبودن راه و تشکیل نهادهای مستقل از قدرت و حجیم نبودن دولت را مقوم و محرک مشارکت عمومی می‌داند (امیراحمدی، ۱۳۷۴: ۱۴).

مشارکت، درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت گروه است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای رسیدن به اهداف گروهی، یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار، شریک شوند. این

تعریف دارای سه جزء است:

۱. درگیر شدن: مشارکت به معنای درگیری ذهنی و عاطفی بوده و تنها به کوشش‌های بدنی محدود نمی‌شود.

۲. یاری دادن: مشارکت داد و ستد اجتماعی دو سویه میان مردم است و نه روش قبولاندن اندیشه‌های مسئولان بالادستی.

۳. پذیرش مسئولیت: مشارکت، اشخاص را برمی‌انگیزد تا در کوشش‌های گروه خود مسئولیت بپذیرند (علوی تبار، ۱۳۸۲: ۱۶).

برای مشارکت دو نظریه کلان نیز مطرح است:

الف) نظریات وبری؛ ب) نظریات رفتاری.

۱. نظریه‌هایی که منشأ وبری دارند یعنی از طریقی به نظریه ماکس وبر برمی‌گردند و در آنها بر نظام اعتقادات، باورها، گرایش‌ها و اندیشه‌های فرد تأکید شده است. درباره مسئله مشارکت طبق نظریه‌های وبری فرض بر این است که اگر مشارکت به عنوان یک کنش اجتماعی در نظر گرفته شود، این کنش برخاسته از وجوه فرهنگی هر جامعه است و تحت تأثیر عناصر گوناگون موجود در نظام فرهنگی جامعه قرار می‌گیرد. تصور و پنداشتی که افراد و کنشگرها دارند به شدت در رفتار آنها در زمینه مشارکت مؤثر خواهد بود. در واقع هنگامی که در جامعه‌ای رفتار مشارکتی وجود ندارد یا گرایش به مشارکت اندک است، ریشه آن به نظام دیدگاه‌های آن جامعه و فرد در ارتباط با فرهنگ، باورها و تصویری که نسبت به محیط و پیرامون خود دارد، برمی‌گردد. هر قدر باورها، گرایش‌ها و فرهنگ اجتماعی احساس بی‌قدرتی را در افراد تقویت کند، گرایش آنها به مشارکت کاهش می‌یابد. افرادی که کاملاً احساس بی‌قدرتی می‌کنند اعتماد به نفس خود را در عرصه اجتماعی از دست داده و کمتر مشارکت دارند (علوی تبار، ۱۳۸۲: ۱۲).

۲. نظریه‌های مشارکت که بر جنبه‌های رفتاری تأکید دارند. در این نظریه‌ها بخش اعظم رفتار به جای اینکه حاصل باورها و گرایش‌ها باشد، نتیجه سود و زیانی است که یک رفتار در خود دارد؛ به این معنی که پاداش‌ها و مجازات‌هایی که در برابر انجام یک رفتار نصیب شخص

می‌شود، تعیین کننده ادامه رفتار اوست. در واقع برای این گونه افراد این مسئله مهم است که در صورت نشان دادن گرایش‌های مشارکتی، نظام اجتماعی چقدر آنها را تنبیه می‌کند یا پاداش می‌دهد. این افراد، عقلانی رفتار می‌کنند و با محاسبه هزینه و فایده‌های مشارکت یا عدم مشارکت در تصمیم‌گیری اقدام می‌نمایند (علوی تبار، ۱۳۷۸: ۱۳). دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی در ویرایش سوم شاخص‌های راهبردی، ابعاد و مؤلفه‌های فرهنگی، که در سال ۱۳۸۹ تدوین گردیده است، مشارکت را به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی، دارای شاخص‌های عملیاتی، شرکت در انتخابات، شرکت در راه‌پیمایی‌ها، آگاهی‌های سیاسی، مشارکت در نهادهای مدنی و مشارکت در شبکه‌های روابط اجتماعی بر می‌شمارد (مصوبه دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹).

## امنیت و تهدید

به طور کلی مطالعات امنیتی دارای چهار موج مطالعاتی و در قالب دو گفتمان منفی و مثبت معرفی شده است. در گفتمان منفی، امنیت سلبی است؛ به این معنی که «امنیت» با نبود عامل دیگری که از آن به تهدید یاد می‌شود، تعریف شده است. این گفتمان دارای پیشینه تاریخی طولانی است و دو موج مطالعاتی در درون خود دارد. شاخص بارز موج اول مطالعات امنیتی سلبی، تأکید بر بُعد نظامی در تحلیل امنیت و تهدیدات است. از این دیدگاه برای مقابله با تهدید، توان نظامی را باید افزایش داد (افتخاری، ۱۳۸۴: ۱۸).

موج دوم مطالعات امنیتی و تهدیدات با نگرش سلبی، به اقتضای ماهیت آن، طیف گسترده و متنوعی از صاحب‌نظران را در بر می‌گیرد که شاخص اصلی آن رویگردانی از محوریت مؤلفه نظامی در تعریف و تهدید امنیت ملی و تهدیدات است. مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که در این رویکرد مورد توجه بوده، ابعاد اقتصادی، زیست‌محیطی، فرهنگی، علمی و فناوری است؛ در هر صورت امنیت و فقدان تهدیدات امنیت ملی، تابع قدرت و متغیر وابسته به آن است و این قدرت می‌تواند مؤلفه‌های متفاوت و متنوعی داشته باشد. بنابراین تهدیدات این رویکرد شامل تهدیدات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نظامی است. در گفتمان مثبت امنیت و تهدید که به دنبال نقد مبانی و اصول



گفتمان امنیت منفی و سلبی در هر دو موج مطالعاتی سنتی و فراسنتی است؛ اعتقاد بر این است که امنیت و تهدیدات یک مفهوم و متغیر وابسته و دست دوم نیست و دارای مبانی و محتوای پیچیده فلسفی است. در این گفتمان سعی بر آن است تا با پرهیز از سلبی‌گری صرف و توجه به بُعد ایجابی امنیت، تعریف و تصویر جامع‌تری ارائه شود. در این گفتمان، امنیت به نبود تهدید تعریف نمی‌شود، بلکه افزون بر فقدان تهدید، وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و خواسته‌های ملی نیز مدنظر است. این رویکرد برای امنیت و تهدید، ماهیت تأسیسی قائل است و بر این باور است که تهدید، تنها در وضعیتی وجود دارد که آن جامعه در سطح قابل قبولی از اطمینان برای تحصیل و پاسداری از منافع ملی و ارزش‌های حیاتی‌اش نباشد. بنابراین امنیت ملی در این گفتمان عبارت است از توانایی و شرایط عینی که در بستر آن می‌توان به منافع ملی دست یافت (افتخاری، ۱۳۸۴؛ ۱۶).

در این نگاه امنیت ملی، حتی نسبت به منافع ملی از اولویت برخوردار است زیرا تحقق و عدم تحقق منافع ملی و تهدیدات در گرو بود یا نبود امنیت است. در چارچوب این دیدگاه، ممکن است جامعه‌ای با وجود نداشتن تهدیدات خارجی یا داخلی، به دلیل ناتوانی از دستیابی به منافع ملی، وضعیت ناامنی داشته باشد. در مجموع، می‌توان گفت، دو گفتمان ایجابی و سلبی موجب دو نگرش در تعریف و تبیین مفاهیم امنیت و تهدید شده است که با نگاه ایجابی امنیت عبارت است از: «توانایی و شرایط عینی و ذهنی که در بستر آن بتوان منافع ملی و ارزش‌های حیاتی را محقق ساخت.» با این نگاه می‌توان تهدید را به شرایطی اطلاق نمود که یک کشور برای دستیابی به منافع ملی و ارزش‌های حیاتی خود از توانایی و شرایط لازم برخوردار نباشد. به طور طبیعی فقدان شرایط و توانایی‌ها برای تحقق اهداف ملی و پیشبرد منافع و ارزش‌های حیاتی یک کشور می‌تواند متأثر از محیط ملی یک واحد سیاسی یا محیط منطقه‌ای و جهانی باشد؛ بنابراین فقدان توانایی برای دستیابی به منافع ملی که مخاطره‌ای جدی برای یک کشور تلقی می‌شود الزاماً می‌تواند محدود به تهدید خارجی و بُعد نظامی تهدید نباشد. در نگاه و نگرش سنتی که رویکرد سخت‌افزارانه است، هدف اصلی از تهدیدات، تحمیل اراده به منظور تغییرات اساسی در یک نظام سیاسی یا تغییر الگوی رفتاری یک کشور است که به طور طبیعی به موجب آن تهدید، حیات

سیاسی آن کشور به مخاطره می‌افتد. لیکن در نگرش ایجابی یک کشور می‌تواند در شرایط فقدان تهاجم نظامی یا اقدامات داخلی براندازانه امنیتی، توانایی پاسداری و پیشبرد اندیشه یا خط مشی‌های نظام سیاسی خود را نداشته باشد. این تلقی از تهدید با شرایط متحول جوامع معاصر همخوانی بیشتری دارد (نائینی، ۱۳۸۹: ۳۷).

### تهدید نرم

تهدید نرم به روحیه انسان‌ها به عنوان یکی از عوامل قدرت ملی خدشه وارد می‌کند، عزم و اراده ملت را از بین می‌برد، مقاومت و دفاع از آرمان و سیاست‌های نظام را تضعیف می‌کند. فروپاشی روانی یک ملت می‌تواند مقدمه‌ای برای فروپاشی سیاسی - امنیتی و ساختارهای آن باشد. جوزف نای ' قدرت نرم را شیوه غیرمستقیم رسیدن به نتایج مطلوب بدون تهدید یا پاداش ملموس می‌داند. این شیوه غیرمستقیم رسیدن به نتایج مطلوب، چهره دوم قدرت است. بر این پایه یک کشور می‌تواند به مقاصد مورد نظر خود در سیاست جهانی نایل آید، چون کشورهای دیگر، ارزش‌های آن را می‌پذیرند؛ از آن تبعیت می‌کنند؛ تحت تأثیر پیشرفت و آزاداندیشی آن قرار می‌گیرند و در نتیجه خواهان پیروی از آن می‌شوند. در این مفهوم آنچه مهم تلقی می‌شود، تنظیم دستورالعملی است که دیگران را جذب کند. بنابراین قدرت نرم، توانایی کسب آنچه که می‌خواهید از طریق جذب کردن نه از طریق اجبار یا پاداش است (نای، ۲۰۰۴: ۵).

تهدید نرم را می‌توان تهدیدی دانست که باعث دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی می‌گردد. تهدید نرم نوعی اعمال قدرت با روش‌های نرم افزارانه در ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق تأثیر بر اندیشه و الگوهای رفتاری در این حوزه‌ها و جایگزینی الگوهای رفتاری بازیگر مهاجم، محقق می‌شود. تهدید نرم زمانی پدید می‌آید که یک ملت یا کشور احساس کند فرهنگ، نهادها و سیاست‌های آن بر اثر بهره‌گیری دشمنانش از قدرت نرم در حال تغییر و استحاله هستند (نائینی، ۱۳۸۸: ۱۲۹). با پذیرش این واقعیت که هدف در هر نوع تهدیدی، به تسلیم کشاندن حریف است و تفاوت‌ها

تنها در به کارگیری ابزارهای مختلف است، می‌توان وجوه زیر را به عنوان وجوه افتراق تهدیدات سخت و نرم برشمرد:

۱. حوزه تهدید نرم، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است؛ درحالی که حوزه تهدید سخت، امنیتی و نظامی است.

۲. تهدیدهایی نرم پیچیده و محصول پردازش ذهنی نخبگان است؛ بنابراین اندازه‌گیری آن مشکل است؛ درحالی که تهدیدهای سخت، عینی، واقعی و محسوس است و می‌توان آن را با برخی از معیارهای کمی اندازه‌گیری کرد.

۳. روش اعمال تهدیدهای سخت، استفاده از زور و اجبار است در حالی که در تهدید نرم، از روش القا و اقناع بهره‌گیری می‌شود.

۴. هدف در تهدیدهای سخت، تخریب و حذف فیزیکی حریف و تصرف و اشغال سرزمین است؛ درحالی که در تهدید نرم، هدف تأثیرگذاری بر انتخاب‌ها، فرآیند قدرت نرم، تهدید نرم، پیشنهادی در راستای سیاست‌سازی، تصمیم‌گیری و الگوهای رفتاری حریف و در نهایت سلب هویت‌های فرهنگی است.

۵. مفهوم امنیت در رویکردهای نرم شامل امنیت ارزش‌ها و هویت‌های اجتماعی می‌شود؛ درحالی که این مفهوم در رویکردهای سخت به معنای نبود تهدید خارجی تلقی می‌گردد.

۶. تهدیدهای سخت، محسوس و همراه با برانگیختن واکنش است؛ در حالی که تهدیدهای نرم به دلیل ماهیت غیرعینی و غیر محسوس آن، اغلب فاقد عکس‌العمل است.

۷. مرجع امنیت در حوزه تهدیدهای سخت، به طور عمده دولت‌ها هستند؛ درحالی که مرجع امنیت در تهدیدهای نرم محیط ملی و فراملی (هویت‌های ملی و جهانی) است.

۸. کاربرد تهدید سخت در رویکرد امنیتی جدید عمدتاً مترادف با فروپاشی نظام‌های سیاسی - امنیتی مخالف یا معارض است؛ درحالی که کاربرد تهدید نرم در این رویکردها مترادف با فرهنگ‌سازی و نهادسازی در چارچوب اندیشه و الگوهای رفتاری نظام‌های مسلط جهانی تلقی می‌شود (نایینی، ۱۳۸۸: ۳).

## تهدید از دیدگاه مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری در سخنرانی‌ها و نوشته‌های خود به برخی تهدیدات در موضوعات مختلف تأکید فراوان نموده‌اند که در ادامه برخی از این فرمایش‌ها را مورد اشاره قرار می‌دهیم.

اسلام زدایی از ایده (ایدئولوژی) حاکمیت: تهدید علیه اسلامی نگاه داشتن انقلاب از جمله تهدیدات دائمی است که با استفاده از شیوه‌های مختلف مانند استحاله کردن یا حذف فیزیکی عملی می‌گردد. تضعیف ایمان و معنویت مردم: تخریب ایمان و باورهای کارساز مردم، هدف دشمنان است و از آنجا که مردم مؤمن و فداکار عامل پیروزی اسلام و ملت ایران هستند، دشمنان می‌خواهند این عامل را از بین ببرند. از بین رفتن روح ایمان و تمسک به اسلام در ملت ایران در حقیقت باعث سست شدن پایه‌های استقلال ملت می‌گردد.

ناامید کردن مردم: بیشترین تلاش جبهه سیاسی، ابتکار نامیدسازی ملت ایران است. از سوی دیگر بی‌اعتماد کردن و مأیوس کردن مردم از خودشان نیز از اهداف آنان است. این کار را از طریق کوچک‌سازی دستاوردهای ملت و نادیده‌انگاری پیشرفت‌های ملت به انجام می‌رساند.

جداکردن ملت از گذشته خود: جدایی افکنی میان گذشته هر نسل، دستاوردها و افتخارات آنان و بی‌ریشه کردن نسل‌ها و جداسازی ملت ایران از دستاوردهای بیست سال گذشته انقلاب و دوران مشعشع امام خمینی (ره) از تهدیدات جدی دشمنان است. همچنین جداسازی ملت از دوران جنگ و نمادهای آن نیز در همین چارچوب قرار دارد.

تهاجم فرهنگی: مرزهای تهاجم به این روش، خیلی وسیع‌تر از انقلاب است. این نوع تهاجم متوجه اسلام است؛ لذا تمام ابعاد فرهنگی-اجتماعی اسلام و آموزه‌های اسلامی را که در میان توده‌های مردم نفوذ دارد، دربر می‌گیرد. علاوه بر آن بر جنبه‌های فکری، اخلاقی و ایمانی مردم نیز تهاجم شکل گرفته است.

تهاجم روانی: توطئه کردن از طریق دروغ‌پراکنی و شایعه‌سازی به امید ترساندن مردم و کور کردن آنان، ایجاد اختلاف در میان مردم، مردم با دولت و میان آحاد ملت و قشرهای مختلف مردم، و از این مسیر تخریب وحدت ملی و اتحاد عمومی ملت، تشویش افکار عمومی یعنی ایجاد تشنج و جنجال در فضای سیاسی کشور با هدف نشان دادن ناامنی، بزرگ‌نمایی مشکلات و ضعف‌های کشور، و تیره و تار نشان دادن آینده کشور، ممزوج کردن حق و باطل و به دنبال آن ایجاد انحراف

اذهان عمومی، از جمله آماج تهدیدات روانی دشمنان علیه جمهوری اسلامی ایران است. فساد: فساد در انواع مختلف آن مانند فساد اداری که شاخص‌های مهم آن رشوه‌خواری، کم کاری، رابطه به جای ضابطه، عزل و نصب‌های خارج از ضابطه، فساد جنسی مخصوصاً در بین جوانان، و فساد سیاسی است از تهدیدات مهم کشور هستند. بی‌اعتمادی به نظام و مسئولان: وجود فاصله میان مردم و مسئولان، دل‌چرکین بودن مردم از مسئولان، از دست رفتن حس اعتماد به کارگزاران کشور، از جمله تهدیدات کشور است (حسن‌بیگی و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۴-۹۲).

### مدیریت و فرماندهی

مدیریت فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول، صورت می‌گیرد. تعریف مذکور، پنج قضیه اساسی زیر را که زیربنای مفاهیم کلی نظری و عملی (فنی) مدیریت است در بر دارد:

۱. مدیریت یک فرایند<sup>۱</sup> است.
۲. مفهوم نهفته مدیریت، هدایت تشکیلات انسانی است.
۳. مدیریت مؤثر، تصمیم‌های مناسبی می‌گیرد و به نتایج مطلوبی دست می‌یابد.
۴. مدیریت کارا، به تخصیص و مصرف مدبرانه منابع می‌گویند.
۵. مدیریت بر فعالیت‌های هدف‌دار تمرکز دارد (رضاییان، ۱۳۸۵: ۷).

ابطحی معتقد است که دانشمندان تعاریف گوناگونی از مدیریت ارائه کرده‌اند که هیچ کدام از آنها به تنهایی کامل نیست. از نظر او مدیریت عبارت است از: انجام یک سلسله فعالیت‌هایی در جهت رسیدن به اهداف سازمان با استفاده بهینه از منابع ورودی به سازمان که عبارت است از: نیروی انسانی، سرمایه، فناوری، مواد اولیه و اطلاعات، از طریق انجام چهار وظیفه مهم مدیریتی یعنی: برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و رهبری و نظارت و کنترل (ابطحی، ۱۳۸۸: ۱۸).

۱. تغییر به سوی هدف، با استفاده از مکانیزم بازخورد. هر فرایند هدف، ساختار و نتیجه دارد.

## مدیریت انتظامی و آینده

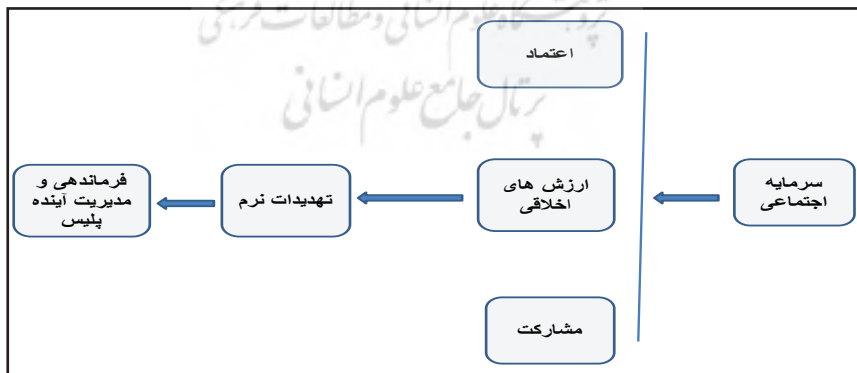
مدیریت انتظامی تعریفی خارج از حوزه مدیریت ندارد، لیکن موضوع هدف گذاری، آن را از سایر تعاریف متمایز می‌سازد. بنابراین با این ویژگی مدیریت انتظامی را می‌توان این گونه بیان کرد: مدیریت انتظامی علم و هنر به کارگیری کلیه امکانات مادی و معنوی پلیس به منظور برنامه‌ریزی، سازمان دهی، هدایت و رهبری و نظارت و کنترل، برای دستیابی به اهداف سازمانی که همانا برقراری و حفظ نظم، امنیت و آرامش در جامعه است، می‌باشد (مصطفی نژاد، ۱۳۸۹: ۳۰). فرماندهی و مدیریت آینده پلیس با توجه به افزایش جمعیت، پیچیده‌تر شدن و تغییر الگوهای جرم، افزایش انتظارات، کم رنگ شدن مرزهای جغرافیایی و افزایش جرائم سازمان یافته، بیش از پیش نیازمند توجه به رویکرد ایجابی است که با سرمایه اجتماعی در هم تنیده است. تضمین اثربخشی پلیس در آینده، در گرو برخوردار بودن پلیس از مدیران کارآمد و دانش محور است که توان برقراری تعامل با اقشار مختلف جامعه را داشته باشند. مدیریت آینده پلیس باید بسترهای لازم برای جلب همکاری مردم با پلیس را فراهم نموده و کانال‌های بازخوردگیری از جامعه را جهت اعتماد سازی بیشتر برقرار کند. در این رابطه رویکرد پلیس جامعه محور می‌تواند به عنوان الگویی برای مدیریت آینده پلیس باشد. در محیط پلیس جامعه محور دو نگاه فلسفی و راهبردی وجود دارد. از نگاه فلسفی، پلیس جامعه محور عبارت است از: فلسفه‌ای جدید که بر اساس این مفهوم افسران پلیس و شهروندان با هم و در مسیرهای خلاق کار می‌کنند تا در نهایت بتوانند مشکلات کنونی جامعه را در ارتباط با جرائم، ترس از جرم، ناهنجاری‌های اجتماعی و فیزیکی و تضعیف روابط شهروندی و همسایگی رفع کنند و در نگاه راهبردی پلیس را واجد شرایطی همچون: تعریف روابط انسانی، خدمات پلیس مبتنی بر دوستی با مردم و حساسیت نسبت به جامعه، مشورت با مردم در خصوص نیازهای جامعه، احترام به حقوق انسان‌ها، حساسیت فرهنگی، حفظ تماس سازنده با اعضای جامعه، تدوین سازوکارهای آسان برای ارتباط با پلیس و شفافیت امور پلیس و کمک به پلیس در امر اجرای قانون می‌دانند (ونگ، ۲۰۰۸: ۵).

مشارکت یکی از عناصر و ارکان پلیس جامعه محور است و چنانچه زمینه مشارکت جامعه در امور پلیس فراهم نشود، تحقق اهداف پلیس جامعه محور امکان پذیر نیست. مشارکت وقتی معنی پیدا می‌کند

که گروه‌های گوناگون به ویژه نهادهای مردمی، آزادانه و با علاقه با پلیس در انجام مأموریت‌ها مشارکت کنند. در چنین شرایطی است که پلیس می‌تواند به پشتیبانی و حمایت مردم دلگرم باشد. مردم سرمایه اصلی پلیس هستند، تلاش‌های زیادی باید صورت گیرد تا این سرمایه حفظ شود (چوجیم<sup>۱</sup>، ۱۳۸۵: ۷۰). از دیگر شاخص‌های مهم پلیس جامعه محور، اعتماد مردم به پلیس است. رابرت پیل<sup>۲</sup> (۱۸۲۹) در اصول نه گانه‌ای که در زمان تأسیس پلیس لندن ارائه کرد اعتماد به پلیس را جزء شاخص‌های مهم پلیس یاد می‌کند. ایشان می‌گوید: هرچه اعتماد عمومی نسبت به پلیس جلب و تضمین شود، به همان نسبت از ضرورت توسل پلیس به اجبار و زور برای رسیدن به اهداف کاسته خواهد شد (قهرمانی، ۱۳۹۱: ۱۳۴).

### چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری تحقیق حاضر را تلفیقی از نظریات دانشمندی چون جیمز کلمن، پورتس و پاتنام تشکیل می‌دهند که مؤلفه‌هایی چون اعتماد، ارزش‌های اخلاقی، مشارکت، هویت، همبستگی و انسجام اجتماعی را برای مفهوم سرمایه اجتماعی قائل شده‌اند. از میان مؤلفه‌های مذکور سه مؤلفه اعتماد، مشارکت و ارزش‌های اخلاقی که از نظر نویسنده، رابطه آنها با تهدید نرم، ارتباط بیشتری به مدیریت آینده پلیس پیدا می‌کند به عنوان فرضیه‌های فرعی پژوهش انتخاب گردیدند تا ضمن سنجش آنها بر تهدیدات نرم، مدل مفهومی مقاله به شرح نمودار (۱) شکل بگیرد.



نمودار ۱: رابطه بین سرمایه اجتماعی و تهدیدات نرم

با توجه به توضیحات داده شده فرضیه‌های تحقیق:

۱. بین سرمایه اجتماعی در جامعه و کاهش اثر تهدیدات نرم رابطه وجود دارد.
۲. بین اعتماد مردم به مسئولان و کاهش اثر تهدیدات نرم رابطه وجود دارد.
۳. بین ارزش‌های اخلاقی در جامعه و کاهش اثر تهدیدات نرم رابطه وجود دارد.
۴. بین مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها و کاهش اثر تهدیدات نرم رابطه وجود دارد.

## روش

روش تحقیق حاضر از نظر داده‌ها، کمی و از نظر اهداف، کاربردی و از نظر ماهیت مطالعه همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کارکنان دارای مدرک کارشناسی به بالای پلیس‌های اجرایی ستاد ناجا تشکیل می‌دهند. روش نمونه‌گیری ابتدا به صورت طبقه‌ای و سپس به شکل تصادفی ساده و حجم نمونه را تعداد ۱۱۵ نفر از طریق فرمول کوکران تشکیل می‌دهند. ابزار سنجش پژوهش حاضر پرسشنامه ۲۷ سؤالی محقق ساخته با الفای کرونباخ ۰/۸۹ است.

## یافته‌ها

فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و آزمون  $t$  تک نمونه‌ای تحلیل شدند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها ۸۳٪ وجود رابطه بین سرمایه اجتماعی با کاهش اثر تهدیدات نرم را تأیید می‌نماید. در ادامه به تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به هریک از فرضیات تحقیق می‌پردازیم. فرضیه ۱ فرعی: بین اعتماد مردم به مسئولان و کاهش اثر تهدیدات نرم رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۱: ضریب همبستگی بین اعتماد و کاهش اثر تهدیدات نرم (نتایج آزمون پیرسون)

تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری (sig)
۱۱۵	۰/۸۱	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول (۱) می‌توان نتیجه گرفت که بین اعتماد مردم به مسئولان و کاهش اثر تهدیدات نرم رابطه معناداری وجود دارد و میزان همبستگی آن زیاد است.



جدول ۲: نتایج آزمون t تک نمونه ای به منظور بررسی فرضیه اول تحقیق: اعتماد مردم به مسئولین موجب کاهش اثر تهدیدات نرم می شود.

تعداد پاسخ گویان	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری (sig)
۱۱۵	۶/۸۴	۲۰	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول (۲) مقدار t جدول (۶/۸۴) از ۳ بیشتر است، لذا در ناحیه  $H_1$  قرار دارد و چون سطح معناداری نیز از ۰/۰۵ کمتر است، فرضیه اول تأیید می شود؛ بنابراین با سطح اطمینان ۹۵٪ می توان گفت اعتماد مردم به مسئولان موجب کاهش اثر تهدیدات نرم می شود.

فرضیه ۲ فرعی: بین وجود ارزش های اخلاقی در جامعه و کاهش اثر تهدیدات نرم رابطه وجود دارد.

جدول ۳: ضریب همبستگی بین وجود ارزش های اخلاقی در جامعه و کاهش اثر تهدیدات نرم (نتایج آزمون پیرسون)

تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری (sig)
۱۱۵	۰/۷۷	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول (۳) می توان نتیجه گرفت که بین وجود ارزش های اخلاقی در جامعه و کاهش اثر تهدیدات نرم رابطه وجود دارد و میزان همبستگی آن زیاد است.

جدول ۴: نتایج آزمون t تک نمونه ای به منظور بررسی فرضیه دوم تحقیق

تعداد پاسخ گویان	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری (sig)
۱۱۵	۵/۸۹	۲۰	۰/۰۰۰

ادعا: وجود ارزش های اخلاقی در جامعه موجب کاهش اثر تهدیدات نرم در جامعه می شود. با توجه به نتایج جدول (۴) اینکه مقدار t جدول (۵/۸۹) از ۳ بیشتر است لذا در ناحیه  $H_1$  قرار دارد و چون سطح معناداری نیز از ۰/۰۵ کمتر است، فرضیه دوم تأیید می شود. لذا با سطح اطمینان ۹۵٪ می توان گفت وجود ارزش های اخلاقی در جامعه موجب کاهش اثر تهدیدات نرم در جامعه می شود.

فرضیه ۳ فرعی: بین مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها و کاهش اثر تهدیدات نرم رابطه وجود دارد.

جدول ۵: ضریب همبستگی بین مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها

و کاهش تهدیدات نرم (نتایج آزمون پیرسون)

تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری (sig)
۱۱۵	۰/۸۶	۰/۰۰۱

با توجه به نتایج جدول (۵) می‌توان نتیجه گرفت که بین مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها و کاهش اثر تهدیدات نرم رابطه وجود دارد و میزان همبستگی آن زیاد است.

جدول ۶: نتایج آزمون t تک نمونه‌ای به منظور بررسی فرضیه سوم

تعداد پاسخ گویان	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری (sig)
۱۱۵	۷/۵۱	۲۰	۰/۰۰۱

ادعا: مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها موجب کاهش اثر تهدیدات نرم می‌گردد.

با توجه به نتایج جدول (۶) و مقدار t جدول (۷/۵۱) از ۳ بیشتر است لذا در ناحیه  $H_1$  قرار دارد و چون سطح معناداری نیز از ۰/۰۵ کمتر است، فرضیه سوم تأیید می‌شود و با سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها موجب کاهش اثر تهدیدات نرم می‌گردد.

فرضیه اصلی: بین وجود سرمایه اجتماعی در جامعه و کاهش اثر تهدیدات نرم رابطه وجود دارد.

جدول ۷: ضریب همبستگی بین وجود سرمایه اجتماعی در جامعه و کاهش اثر تهدیدات نرم

(نتایج آزمون پیرسون)

تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری (sig)
۱۱۵	۰/۸۳	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول (۷) می‌توان نتیجه گرفت که بین وجود سرمایه اجتماعی در جامعه و کاهش اثر تهدیدات نرم رابطه وجود دارد و میزان همبستگی آن زیاد است.

جدول ۸: نتایج آزمون t تک نمونه ای به منظور بررسی فرضیه اصلی تحقیق

تعداد پاسخ گویان	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری (sig)
۱۱۵	۷/۰۳	۲۰	۰/۰۰۱

ادعا: وجود سرمایه اجتماعی در جامعه موجب کاهش اثر تهدیدات نرم در جامعه می‌گردد. با توجه به نتایج جدول (۸) و مقدار t جدول (۷/۰۳) از ۳ بیشتر است، لذا در ناحیه  $H_1$  قرار دارد و چون سطح معناداری نیز از ۰/۰۵ کمتر است، فرضیه اصلی تحقیق تأیید می‌شود. لذا با سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت وجود سرمایه اجتماعی در جامعه موجب کاهش اثر تهدیدات نرم در جامعه می‌گردد.

### بحث و نتیجه گیری

سرمایه اجتماعی متشکل از مؤلفه‌هایی چون اعتماد، مشارکت مردم، هویت ملی و ارزش‌های اخلاقی به عنوان مهم ترین سرمایه در امنیت ملی بیش از سایر سرمایه‌ها می‌تواند در مقابله با تهدیدات و از جمله تهدیدات نرم نقش آفرینی کند. تهدید مفهومی انتزاعی است که در هم تنیدگی عمیقی با مفهوم امنیت دارد. نمی‌توان از تهدید صحبت به میان آورد ولی امنیت و تأثیر آن را نادیده گرفت. در گذشته تهدید علیه منافع یک بازیگر، بیشتر از نوع و جنس تهدید سخت بود. این گونه تهدیدات بیشتر متوجه اهداف و منافع عینی بازیگر مورد تهدید بود. با گذشت زمان ابزار و اهداف تهدیدات از سخت به نرم تبدیل گردید. تهدید نرم، مؤثرترین، کارآمدترین و کم‌هزینه‌ترین و در عین حال خطرناک‌ترین و پیچیده‌ترین نوع تهدید علیه امنیت ملی یک کشور است به گونه‌ای که در عصر کنونی، تهدیدات فرهنگی با بهره‌گیری از روش‌های پیچیده به شکلی عمل می‌نمایند که تصاحب بر یک کشور را بدون لشکرکشی و توسل به زور امکان پذیر می‌کنند. تجزیه و تحلیل به عمل آمده روی پاسخ‌های جامعه آماری، حکایت از تأثیر اعتماد عمومی بر کاهش تهدیدات نرم و نشان دهنده درستی فرضیه اول است. از نظر پاتنام اعتماد اجتماعی برگرفته از دو منبع هنجاری، معامله

متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی است. اعتماد، همکاری را تسهیل می‌کند و هر چه سطح اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود. با توجه به رویکرد حال و آینده پلیس یعنی رویکرد ایجابی و جامعه محوری، اعتماد به نهادهای دولتی از جمله پلیس پیش شرط پیاده‌سازی رویکرد جامعه‌محوری است. پاتنام اعتماد مردم به یکدیگر، مردم به حکومت و اعتماد به نهادهای اصلی جامعه را از وجوه اعتماد می‌داند. وقتی وجود اعتماد در جامعه، اثر تهدیدات نرم را کاهش یا خنثی نماید، پیاده‌سازی رویکرد اجتماعی پلیس که پیش‌نیاز آن اعتماد است، با چالش مواجه نخواهد شد.

تجزیه و تحلیل فرضیه دوم نیز حکایت از تأثیر ارزش‌های اخلاقی بر کاهش اثر تهدیدات نرم دارد. اتفاقاً تهدید ارزش‌های اخلاقی بیش از سایر ابعاد تهدید مورد توجه دشمنان قرار دارد. این نوع تهدید معمولاً جوانان را هدف قرار می‌دهد و راهبرد انحراف جوانان به عنوان نیروهای فعال و تأثیرگذار در صورت موفقیت آثار زیانبارتری برای جامعه خواهد داشت. اثر سرمایه اجتماعی در بُعد ارزش‌های اخلاقی مبنی بر کاهش یا خنثی نمودن تهدیدات نرم که تضعیف ارزش‌های اخلاقی از اهداف اصلی آن است، با مأموریت و وظایف پلیس کاملاً همسو است. اگر در جامعه‌ای ارزش‌های اخلاقی تضعیف شود پایه‌های صداقت و درستکاری سست می‌گردد و هنجارها ضعیف یا کارآمدی خود را از دست می‌دهند. در چنین جامعه‌ای شرایط برای وقوع ناهنجاری مهیاست. در این شرایط پلیس باید انرژی مضاعفی را در پیشگیری و کشف جرائم و بازگرداندن احساس امنیت صرف کند.

بررسی فرضیه سوم نشان می‌دهد که مشارکت نقش مهمی در کاهش یا خنثی سازی اثر تهدیدات نرم دارد. مشارکت عنصر تأثیرگذار در سرمایه اجتماعی است که در دو نظریه کلان وبری و رفتاری نیز بر آن تأکید شده است. از طرفی رویکرد اجتماعی پلیس که رویکرد حال و آینده مدیریت پلیس را شامل می‌شود به شدت بر مشارکت مردم تأکید دارد به گونه‌ای که این رویکرد بدون مشارکت مردم کاملاً بی‌معناست. جوچیم (۱۳۸۵) در این باره می‌گوید: مشارکت یکی از عناصر و ارکان پلیس جامعه محور است و چنانچه زمینه مشارکت جامعه در امور پلیس فراهم نشود، تحقق اهداف پلیس جامعه محور امکان پذیر نیست.

در مجموع اثبات فرضیه‌های تحقیق حکایت از اثر سرمایه اجتماعی بر کاهش تهدیدات نرم دارد. این سرمایه بستر را برای تحقق رویکردهای پلیس آماده می‌سازد. لذا سازمان پلیس باید برای تحقق اهداف خود از جمله پیاده‌سازی پلیس جامعه‌محور و ایفای نقش مؤثر و سازنده در امنیت عمومی، با همکاری سازمان‌های ذی ربط، ضمن روشنگری اجتماعی، اثر سرمایه اجتماعی بر کاهش تهدیدات نرم را احصا و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی همچون هنجارهای اعتمادساز، مشارکت جو، هویت بخش، ارزش مدار و مبتنی بر روابط را تقویت کند.

### پیشنهادها

۱. ارتباط مردم با مسئولان و بهره‌گیری از نظرهای آنها در تصمیم‌گیری‌ها، در موضوعات مختلف، از جمله مباحث امنیتی به عنوان یک عامل اعتماد ساز مورد توجه قرار گیرد. بسترهای ارتباطی فعلی در برخی سازمان‌ها از جمله پلیس، اگر چه به تقویت اعتماد و مشارکت شهروندان کمک نموده است ولی نیاز به بازنگری مجدد دارد.
۲. تحقق رویکرد جامعه‌محوری پلیس که مؤلفه‌های آن با مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی دارای اشتراکات زیادی است نیازمند تغییر در ساختار واحدهای اجرایی پلیس و تقنین، برای امکان اجرایی شدن آن است. لازم است مسئولان پیگیری لازم را در این زمینه به عمل آورند.
۳. ارزش‌های اخلاقی مثبت، چون صداقت، امانت داری، حسن ظن، سعه صدر، وفای به عهد و... که از عناصر مهم سرمایه اجتماعی هستند در بین مردم و به ویژه در بین کارکنان دستگاه‌های اجرایی و خدماتی همچون پلیس تقویت شود.
۴. تهدیدات سرمایه اجتماعی، ناکارآمدی رویکردهای سنتی و سلبی و لزوم پیاده‌سازی رویکردهای ایجابی که تحقق آن با تقویت سرمایه اجتماعی امکان پذیر است، تصویری چالش برانگیز را در فرماندهی و مدیریت آینده پلیس در ذهن متبادر می‌سازد؛ لذا لازم است دانشجویان پلیس به عنوان فرماندهان و مدیران آینده پلیس با سرمایه اجتماعی و تهدیدات آن آشنایی کامل پیدا کنند.

## منابع

### منابع فارسی

- ابطحی، سید حسین (۱۳۸۸مهر و آبان)، کیهان فرهنگی ۲۶ (۸۸). تهران: موسسه کیهان.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴) نامنی جهانی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴)، معمای امنیت عمومی؛ درآمدی بر جایگاه تازه پلیس در جامعه. مجموعه مقالات کنکاشی بر جنبه‌های مختلف امنیت عمومی و پلیس. تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- الوانی، مهدی و میرعلی سید نقوی (۱۳۸۱)، «سرمایه اجتماعی، مفاهیم و نظریه‌ها». فصلنامه مدیریت، شماره ۳۳ و ۳۴ (۸۱).
- امیر احمدی، هوشنگ (۱۳۷۴)، «نقش دولت و جامعه‌ی مدنی در فرایند توسعه». ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۹۹ (۷۴).
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دمکراسی و توسعه. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: انتشارات شیرازه.
- چوجیم (۱۳۸۵)، فناوری اطلاعات و پلیس. ترجمه فروهر دزفولیان، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- حسن بیگی، ابراهیم و حسین عصاریان نژاد (۱۳۸۸)، تهدید نرم و راهبردهای مقابله. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی (۱۳۸۹)، شاخص‌های راهبردی، ابعاد و مولفه‌های فرهنگی.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۱)، «سرمایه اجتماعی و مشارکت مدنی». روزنامه حیات نو. ۶۶۱ (۸۱).
- رضاییان، علی (۱۳۸۵)، اصول مدیریت. تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- شجاعی زند، علی رضا (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی». هفته نامه عصر ما، ۱۵ دی.
- علوی تبار، علیرضا (۱۳۸۲)، مشارکت در اداره امور شهرها، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۴)، بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل موثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران. پایان نامه دکتری. تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- قهرمانی، علی اکبر (۱۳۹۱)، مدیریت پلیس جامعه محور (از نظریه تا عمل). تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- کلمن، جیمز (۱۳۸۴)، نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: انتشارات شیرازه.
- محمد نسل، غلامرضا (۱۳۹۱)، پلیس و پیشگیری از جرم. تهران: انتشارات میزان.
- مصطفی نژاد، حسن (۱۳۸۹)، مدیریت بحران‌های قومی با رویکرد انتظامی. تهران: انتشارات زرد.
- نابینی، علی محمد (۱۳۸۹)، «تهدید نرم ابعاد و ویژگی‌ها». فصلنامه عملیات روانی ۱۶ (۸۹).
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، «حوزه‌های تأثیر تهدید نرم غرب علیه جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۲۵.

### منابع انگلیسی

- Joseph S. Nye. (2004) *Soft Power: the Means to Success in World Politics*, New York: Public Affairs.
- Portes. A. (1998) *Social capital: Its Origins and applications in moder sociology*. Annual review of sociology. 24(1).